

نگارش آقای ابراهیم منصح

تشکیلات دادگستری با مقدمات تاریخی

پس از نفوذ اسلام تا زمان هلاکو خان ترافع بین مردم مطابق مقررات شرعیه بقضاتی که از طرف خلفا مهین میشد ارجاع میگردد ولی پس از نفوذ هلاکو کم کم قدرت حکومت عرفی بیشتر گشته بویژه امور جزائی را خود حکومت وقت برعهده گرفته و اصول استبداد از آنجا پایه گرفته و هر حکمی که آنرا بنظر حکام میرسید انشاء و اجرا میشد. و این رشته بهمین منوال دوام داشته و دعاوی دو صورت پیدا کرده دعاوی عرفیه و دعاوی شرعیه که حکام دعاوی شرعیه را می پذیرفتند ولی خود ارجاع مینمودند بمحاضری که در نظر داشتند و یا محاضر مرضی الطرفین و هر حکمی که در محاضر صادر میشد اجرا میکردند و چون منظور درین مرحله بحث تفصیلی در کیفیات اجراء عدالت سابق نبود و نظر اینست تکامل قضائی را در بدو مشروطیت بیان نمائیم لذا بهمین مختصر اکتفا کرده و می گوئیم که از زمان ناصرالدین شاه تا بدو مشروطیت برای وزارت عدلیه باسم دیوان عدلیه تشکیل گردید معاون وزیر عدلیه صدر دیوانخانه نامیده میشد. و اعضاء وزارت عدلیه را امناء عدلیه یا امناء دیوانخانه می نامیدند. تا آنکه در سنه ۱۳۲۵ قمری وزارت عدلیه موفق شد یکنوع تشکیلات جدیدی که رسیدگی بامور حقوقی، از محاکمه ده کانه ملک، محکمه تقدی،

محول نموده بود و محکمه بنام محکمه جزا مامور رسیدگی بامور جزائی بود چند نفر بنام مأمور مخصوص برای اجرای احکام نسبت بمجرمین و اعیان و چند نفر اردل برای اخطار و اجراء احکام نسبت بنظامی و صاحبان مناصب و چند نفر یساول مامور از برای اجراء احکام برای شهرستانها و چند نفر سادات معمم برای اخطار و اجرای احکام برای معممین و ذاکرین درین طبقات یکنفر خواجه انتخاب شده بود که ارسال احضاریه بمخدرات بوسیله او انجام می گرفت ولی این مأموریت عملی نشد. ترتیب رسیدگی بدعاوی و تقسیم کار از این قرار بوده است. که پس از تنظیم شدن عرضحال بوسیله منشی هائی که بنام صدیق عدلیه نامیده شدند بنظر صدر دیوانخانه که معاون عدلیه بوده است رسیده است و بوسیله صدر دیوانخانه از نظرو زیر عدلیه میگذشته و این نحو بمحاکم ارجاع شده است که اگر دعوی نقدی بوده بمحکمه نقدی و اگر جنسی بوده بمحکمه جنسی و اگر محاسباتی بوده باطاق محاسباتی بوسیله خود مدعی ارجاع میشد و پس از رجوع بر رئیس رئیس آنرا به نیابت اطاق میداده و نیابت مبادرت بصدور برك اخطار مینموده است. و اگر متشکی عنه صاحب نفوذ و حیثیتی بوده است اخطار بضمیمه يك برگ مر اسله ارسال می گردیده. محاکمه ابتدا بطورشفاهی بوده و متدرجاً مفاد اظهارات متداعیین را می نگاشتند.

تا آنکه در ۱۳۲۶ قمری عملاً تشکیلات عدلیه عبارت بوده است از وزیر و معاون و کابینه و اداره محاسبات و اداره تفتیش. و در تاریخ ۱۳۲۷ - اداره تنفیج لوایح و قوانین بتشکیلات وزارت دادگستری افزوده شد و این اداره مطابق اصولی تهیه قوانین لازمه را نموده توسط وزیر دادگستری بمجلس پیشنهاد میکردند و ضمناً در تمام موارد محاکم و دوائر بهر اشکال قانونی که بر میخوردند سئوالاتی میکردند و پاسخی که داده میشد حکم دستور قانونی داشت و همچنین در مواقع

لازمه موادی چند برای حفظ انتظامات و دستور محاکم تهیه و ابلاغ میشد که در نتیجه پس از عملی شدن جزء دستور پیشنهادات قانونی محسوب میگردید و مجلس مشاوره همه هفته در حضور وزیر از رؤساء محاکم و دوائر تشکیل میگردید که هر نوع نقائصی را مشاهده مینمودند بیان مینمودند تا مورد شور واقع شود و اداره این قوانین مقرر را بصورت موادی تنظیم و پس از تصویب دوائر و محاکمه ابلاغ میگردید و در تاریخ ۱۳۲۹ که مسیو پرنی مستشار فرانسوی بایران آمد منجمله پس از تصویب و امضاء قوانینی که قبلا در مجلس تصویب شده بود وی خود پیشنهادی راجع بتشکیلات وزارت دادگستری تهیه و با امضاء نایب السلطنه وقت مرحوم ناصر الملک رسانید و عنوان دستخط والا حضرت نایب السلطنه موقعیت اجرا یافت.

ماده اول - وزارت عدلیه را تقسیم نموده بسه شعبه عمده که اداره نامیده میشد و اداره اول را طبق ماده دوم بکابینه و پرسنل تشخیص داده و مشتمل بسه دائره شمرده بودند و وظیفه دائره اول را تشخیص داده بودند بقبول مراسلات که از طرف دوائر دادگستری کشور و قضات و متحاکمین خطاب بوزیر میرسید و ایصال جواب های مراسلات واصله موافق دستور العمل وزیر با رئیس کابینه بوده که وظیفه معاونت وزیر بعهده او محول میگشت: علوم انسانی

دوم ابلاغ دستور العمل های وزیر بجا های لازم - ورود و صدور تلگرافات رمزی که راجع بکارهای ادارات باشد - مکاتبات رسمی در غیاب وزیر با وزارتخانه ها و ادارات دولتی و سایر دوائر عمومی - ترتیب و ضبط اوراق و اسناد کل وزارت عدلیه یکی از تکالیف کابینه بوده است.

مراقبت در اینکه قضات مزبور از وظائف خود تخلف نکنند - و تعیین و ترفیع رتبه و انتظام عمومی محررین و نایبان محررین و منشیان و بالجمله تمام اجزای محاکم و ادارات عدلیه - وظیفه دائره سوم - امور عدلیه عبارت بوده است از اجراء احکام

راجع پیاپی تخت طبق ماده سوم - اداره دویم را موسوم ب اداره امور عدلیه نموده اند که منقسم شده است بدو دائره که یکی مرجع تمام امور حقوقی بوده است و دیگری مرجع امور جزائی و دائره ایکه مرجع امور حقوقی بوده موظف بوده است بقبول شکایات متحاکمین که از محاکم حقوقی داشته باشند و رسیدگی بصحت و سقم آنها و حق نظارت در اعمال اعضاء ادارات که مدعی العموم در تمام کشور و سمت و کلای عدلیه و تهیه دستور العمل های لازم برای اجرای قوانین در محاکم مختلفه ممالک محروسه و حل اختلاف و تفسیر قوانین و نظارت و مطالبه باعمال احکام کلیه قانونی در موارد محل حاجت و مراقبت در محاکم که تکلیف آنها تعیین اصل اساسی قانونی بوده و مراقبت در حفظ اصول اساسی قانونی بعد از آنکه اتخاذ شد بالاخره جمع آوری اطلاعات واصله در محاکم کشور راجع باعمال آنها و تهیه احصائیه سالیانه اموریکه در محاکم قطع و فصل شده است و دائره دوم که مرجع امور جزائی بوده موظف بوده است بقبول شکایت اصحاب دعوی در محاکم خلاف و جنحه و جنایت و تعیین اقدامات لازمه که باید بعمل آید و تهیه تعلیمات برای اجرای قوانین جزائی و نظارت در حسن جریان اعمال اعضاء ادارات مدعی العموم در ممالک محروسه و مراقبت در مطالعه و اعمال احکام کلیه قوانین جزائی بموارد و محل حاجت و توحید اصول اساسی قانونی راجع بامور جزائی و مراقبت در حفظ اصول اساسی راجع بامور جزائی بعد از آنکه اتخاذ شد و نظارت در مخارج محاکمات جزائی بالاخره جمع آوری اطلاعاتی که در محاکم جزائی میرسید . و تهیه احصائیه سالیانه اموریکه در محاکم جزائی قطع و فصل میشود .

اداره سوم در ماده چهارم - اداره سوم را که بحث در محاسبات نموده است دودائره در نظر گرفته است و وظیفه دائره اول را رسیدگی در اخذ وجوه ثبت اسناد و مخارج محاکمه و تمبر و عایدات اجراء دانسته است و دائره دوم را بامور ترتیب بودجه سالیانه و ایصال

مواجب و حفظ ابنیه دولتی که مخصوص عدلیه بوده در ماده ۵ تشخیص شده بوده است و وجود يك مجلس مشاوره عالی لازم است و آن مجلس را مقرر داشته بودند که مرکب شود از وزیر عدلیه که سمت ریاست مجلس را داشته و مستشار و سه نفر از مدیران وزارت عدلیه و رئیس اول دیوان تمیز و مدعی العموم دیوان مزبور و انعقاد آن مجلس موکول بوده است بدعوت وزیر عدلیه نسبت بآنچه که مربوط بوده است بنظامات امور وزارت عدلیه اعم از قضات و غیره و تمام قرارها با اکثریت اخذ و قابل اجراء می گردیده است و مجلس مزبور با حضور اقل پنج نفر از اعضاء رسمیت پیدا می کرده است و تصمیم این مجلس قطعی و غیر قابل اعتراض بوده است مطابق این دستور العمل تمام مامورین وزارت عدلیه غیر از پیشخدمتهای دوائر و دربان و پاسبان می بایستی بطور امتحان و مسابقه در حضور کمیسیونی که از طرف وزیر برای اینکار تعیین میشده است معین گردند و ترفیع درجه را بطریق مسابقه و امتحان مقرر داشته بودند و فقط تبدیل مشاغل فیما بین قضات و اجزاء ادارات مرئوس عدلیه ممکن بوده است برضای طرفین و تصویب وزیر صورت پذیر شود. طبق ماده هفتم عده رتبه اعضائیکه برای دوائر مختلف وزارت عدلیه لازم بوده است بموجب حکم وزیر تعیین میشده است طی ماده هشتم کلیه مامورین که بموجب حکم وزیر تعیین میشوند مکلف بودند قبل از اشتغال بماموریت خود قسم یاد کنند که از روی صحت و امانت و صداقت بوظائف مرجوعه مشغول شوند.